

تغییر و تحول شهر بیشاپور دکن از دوره ساسانی به دوره اسلامی

زینب افضلی* و دکتر تارا خالیدیان**

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران

** دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران

چکیده

با ظهور اسلام و فتح شهرهای ساسانی توسط مسلمانان سرنوشت سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ساختار کالبدی آن‌ها تا حد زیادی دچار تغییر شد. در این مقاله تغییر و تحولات فضایی که با ظهور اسلام در شهرهای ساسانی صورت می‌گیرد بر اساس مطالعه موردی شهر بیشاپور بیان می‌گردد. نتایج نشانگر در هم شکستن نظام طبقاتی ساسانیان در ساختار اجتماعی این شهر است. به این معنی که در قرون اولیه اسلامی در نتیجه شعار برابری و برادری اسلامی، بافت فضای شهر بیشاپور دچار دگرگونی می‌گردد و از لحاظ کمی رشد زیادی در خانه‌سازی طبقه تهیدست به وجود می‌آید و طبقات اجتماعی پایین دست به فضاهای ممتازی که پیش‌تر در اختیار طبقه مرفه شهر دوره ساسانی بود راه پیدا می‌کند و تا حد زیادی تبعیضات اجتماعی منبث از جهان‌بینی زردشتی در بیشاپور دوره اسلامی از بین می‌رود. با افزایش جمعیت مسلمانان و قدرت یافت حاکمان محلی و تثبیت اسلام در کشور و امنیت نسبی، تفکر و جهان‌بینی اسلامی به وضوح در اواخر قرن سوم و چهارم خود را در ساختار فضایی شهرها نشان می‌دهد و چیدمان ابنیه در فضاهای شهری و ساختار فضایی شهر در دوران اسلامی بر اساس جهان‌بینی اسلامی و رفع احتیاجات کلیه مردم تغییر می‌کند و در همین دوران بناهایی مانند مسجد جامع، مدرسه و کاروانسرا و بازار گسترده وارد بافت‌های شهری می‌گردد. در یک جمع‌بندی باید گفت شهرسازی در دوره اسلامی، از دگرگونی ساخت و سازمان فضاهای شهری دوره ساسانی تحت تأثیر تفکر اسلامی به وجود می‌آید.

واژگان کلیدی: ساسانیان، بیشاپور، شهرنشینی، شهرسازی ساسانی، شهر اسلامی.

درآمد

اما بسیار کم از مهم‌ترین و پایدارترین اثر ساخته شده بشر، یعنی فضاهای زیستی و شهرها سخن به میان آمده است. این درحالی است که هریک از شهرها و سکونتگاه‌های باستانی بشر، گنجینه فرهنگی گرانبهایی است و مطالعه آنها سهم بسزائی در درک ساختار سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بوجود آورنده آنها دارد. (Karimian, 2010: 453) پس باید گفت مطالعه تاریخ شهر و شهرسازی نقش انکارناشدنی در شناخت فرهنگ و تاریخ کشور ما دارد. در این مقاله

واکاوی فضاهای برجای مانده از گذشته سهم بسزائی در درک ساختار سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع به وجود آورنده آنها دارد. با این وجود همیشه ابعاد گوناگون زندگی بشر اعم از فرهنگ، آداب و رسوم و مذهب و ایدئولوژی، تا ویژگی‌های اقتصادی، تکنیکی و شرایط سیاسی و نظامی حاکم بر جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت است.

فضایی شهر داشته‌اند و این عوامل متأثر از قوانین اسلامی بوده‌اند.

پیشینه پژوهشی

مطالعات باستان‌شناسی شهر تاریخی بیشاپور پیش از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۵ میلادی آغاز شد. فصل اول این مرحله را دیوید تالبوت رایس در سال ۱۹۳۵ به انجام رسانید. فصل دوم حفاری بیشاپور در سال ۱۹۳۵ میلادی به ابتکار ژرژ سال و به سرپرستی رومن گیرشمن آغاز شد. این حفاری تا سال ۱۹۳۷ ادامه یافت و بعد از آن گیرشمن به تنهایی از سال ۱۹۳۸ تا سال ۱۹۴۰ و بهار ۱۹۴۱ پنج بار در این محوطه به کاوش پرداخت. ولی در سال ۱۹۴۱ کاوش‌های باستان‌شناختی به علت جنگ جهانی دوم برای مدت زمان کوتاهی متوقف و از سال ۱۹۴۲ مجدداً از سر گرفته شد (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۳). حاصل کاوش‌های گیرشمن در دو جلد کتاب به نام بیشاپور جلد اول و موزاییک‌های ساسانی جلد دوم به چاپ رسیده که به عنوان مهم‌ترین و تنها منبع دست اول از کاوش‌های انجام شده آنان در آن سال‌ها مطرح هستند (گیرشمن، ۱۳۷۸؛ گیرشمن، ۱۳۷۹). مرحله دوم عملیات باستان‌شناسی پس از گذشت مدت زمان بیش از سی سال از مرحله اول، در بهمن ماه ۱۳۴۷ هجری شمسی، توسط یک هیأت باستان‌شناس ایرانی به سرپرستی علی‌اکبر سرفراز از سر گرفته شد (موسوی حاجی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). در فصل کاری ۱۳۴۸ خورشیدی جهانگیر یاسی سرپرستی گروه باستان‌شناسی را در غیاب سرفراز برعهده داشت، ولی از سال ۱۳۴۹ مجدداً عملیات باستان‌شناسی توسط خود ایشان پیگیری شد (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۳). از سال ۱۳۵۳ خورشیدی طی چند فصل، عملیات مرمتی بناهای تاریخی کاوش شده در بیشاپور و طرح نجات‌بخشی نقش برجسته‌های تنگ چوگان توسط سرفراز اجرا گردید (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۳).

عملیات این گروه در سال ۱۳۵۸ متوقف گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که توقف فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی خارجی را در بر داشت، کار در بیشاپور موقتاً تعطیل شد تا آنکه در سال ۱۳۷۵ به دنبال برنامه‌ریزی سازمان میراث فرهنگی کشور، برای ادامه مطالعات باستان‌شناسی در

شهر بیشاپور که به عنوان یکی از شهرهای شاهی مهم دوره ساسانی و مهم‌ترین شهر شاپور اول در تاریخ مطرح است مورد مطالعه. قرار گرفته. شهری که بعد از شاپور و در دوره شاهان بعدی ساسانی و همچنین بعد از ورود اسلام به ایران نیز دارای اهمیت زیادی بوده است.

فتح این شهر توسط مسلمانان باعث ایجاد تغییراتی شگرف در ساختار فضایی و کالبدی و بافت شهری آن شد و شهر وارد دوره جدیدی گشت و با توجه به دیدگاه‌های دین جدید نسبت به مردم و جامعه و برابری و برادری و از بین رفتن طبقات اجتماعی و همچنین اوضاع احوال متفاوت سیاسی، اجتماعی و تاریخی این شهر دوره جدیدی را شروع کرد. در این پژوهش که بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است سعی نموده‌ایم، تابا استفاده از داده‌های تاریخی، اسنادی، یافته‌های باستان‌شناختی، مدارک معماری و تحلیل آن‌ها به نتایج علمی و منطقی دست یابیم و بر اساس آن تغییر و تحولات شهر شاهی ساسانی بیشاپور را در دوره اسلامی بر اساس منابع تاریخی و خصوصاً داده‌های باستان‌شناختی مورد توجه. قرار داده و در پایان به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم.

- ۱- تغییر و تحولات کالبدی در بافت شهر شاهی بیشاپور با ورود اسلام چگونه بوده است؟
 - ۲- از چه زمان رنگ و بوی اسلامی شدن در عرصه شهر بیشاپور ظاهر می‌شود؟
 - ۳- نظام فضایی حاکم بر شهر بیشاپور در دوران اسلامی از چه عواملی پیروی می‌کرده است؟
- در ابتدای پژوهش فرضیاتی نیز مرتبط با این سوالات در نظر گرفته شدند:

- ۱- تغییر و تحولات کالبدی در بافت شهر بیشاپور با ورود اسلام از قرن اول تا سوم ه. ق. به کندی صورت پذیرفته و در این سه قرن بیش از هر چیز ترکیب فضایی شهر به هم خورده است.
- ۲- از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم ه. ق. به بعد رنگ و بوی اسلامی شدن در بافت شهری بیشاپور حاکم می‌گردد.
- ۳- عوامل اقتصادی و سیاسی نقش پررنگی در نظام

اطلاعات جالب توجهی را به دست می‌دهد (تفضلی، ۱۳۶۶: ۳۳۶) زیرا تأسیس یک شهر که بر روی آن اسم شاه باشد فقط از امتیازات شاهی به شمار می‌رفت (هوف، ۱۳۶۵: ۱۷۶). این شهرها با طرح و نقشه قبلی ساخته شده و همیشه دارای یک نقشه منظم بوده‌اند (هوف، ۱۳۶۵: ۱۷۷). سرزمین‌هایی که این شهرها در آن پدید می‌آمد جزء «دسکرت»‌ها یعنی متصرفه‌های شخصی شاه ساسانی شمرده می‌شد. این شهرها تکیه‌گاه‌های حکومت شاه بر متصرفه‌های ملکی بزرگ و بی‌شمار می‌آمدند (لوکونین، ۱۳۸۴: ۶۲). نظارت و مراقبت اداری شهر و همچنین حوزه‌های روستایی مربوطه به آن به وسیله ماموران و گماشتگان شاه انجام می‌گرفت. براساس نظام طبقاتی، هر یک از اهالی شهر به جهت مقام اجتماعی و اقتصادی خود، در منطقه بخصوصی از شهر زندگی می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۳۲۰). آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان در بررسی و شکل‌گیری بافت شهرها، به ویژه در دوران ساسانی، عامل مذهب و جهان‌بینی را نادیده گرفت. زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن به اعتباری امری مقدس، در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده و از اصول پذیرفته شده آیین و باورهای جامعه پیروی کرده است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۸-۹) و وجود نظام طبقاتی در جامعه ساسانی به گونه‌ای بازتاب متون دینی و پهلوی این دوره محسوب می‌گردد که ساسانیان برای برقراری و اعتلای این تعالیم اقدام به تأسیس شهرهای بزرگ کردند. در نتیجه این قوانین، حکومت ساسانی به هیچ‌وجه اجازه نمی‌داد که کوخ‌نشینان از طبقه خود تجاوز نموده و در سلک کاخ‌نشینان درآیند و به همین جهت شکل و کاربرد فضاهای شهرها نشان‌هایی از فضاهای ثبت شده و حفظ نظام امپراتوری ساسانی است که با کمال دقت و برطبق نقشه طراحی و تنظیم شده و نشانگر جهان‌بینی و زمینه فکری آن جامعه است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۷).

با فتح ایران توسط اعراب این شهرها جزء قلمرو اسلامی قرار گرفتند و شهرهای قدیمی دروازه‌های خود را با ستیز و سازش بر روی سپاهیان مسلمان گشودند و حتی باید یادآور شد که بسیاری از شهرها در ازای پرداخت جزیه به حیات مرسوم اجتماعی خود ادامه دادند بی آنکه متحمل دگرگونی‌های عمده کالبدی - فضایی در ابتدا گردند، اما بعدها در شهرها با ایجاد

بیشاپور، هیأتی به سرپرستی محمد مهریار مسئول گمانه‌زنی و کاوش در این محوطه تاریخی شد (موسوی حاجی: ۱۳۷۶: ۲۱۶). در این فصل مرمت و ساماندهی فضاها و کاوش‌های باستان‌شناختی مورد توجه قرار گرفت. آخرین فصل کاوش در محوطه باستانی بیشاپور در پاییز ۱۳۸۳ به سرپرستی ناصر نوروززاده چگینی انجام گرفته است. کاوش در منتهی‌الیه ضلع شرقی شهر انجام گرفت و بیش‌تر یافته‌های کاوش مربوط به دوره اسلامی است (دژم‌خوی، ۱۳۸۶: ۱۷ و ۱۸).

شهرسازی در دوران ساسانی و اسلامی

ابن خلدون درباره ساخت شهرها می‌گوید بادیه نشینی مقدم بر شهرنشینی است و به اعتقاد او بنیان شهرها محتاج هزینه و نیروی انسانی است و می‌افزاید: "پس برای ساختن قصبه‌ها و بنیان نهادن شهرهای بزرگ هیچ راهی نیست، جز اینکه به نیروی دولت و پادشاه انجام یابد" (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۲۱۶). ساسانیان نیز که توانسته بودند حکومتی مقتدر را پایه‌گذاری کنند توانستند با تنظیم برنامه و سازمان اداری کارآمد در حوزه سیاسی و اجتماعی و همچنین سیستم مناسب کشاورزی به عمران و آبادی کشورشان پردازند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳: ۲۷۷) و شاید بتوان گفت که شهرت عظیم آن‌ها بیش‌تر در زمینه شهرسازی و توسعه زندگی شهری است (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۵۵). در این دوران به هنگام پدید آمدن شهرهای جدید و احیای شهرهای کهن، شاهد شکل‌گیری شهرهای شاهی از سوی شاهنشاه هستیم. شهرهایی که به عنوان «شهر- قدرت» و «شهر- معبد» پا به عرصه وجود گذاشته‌اند (حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۲). شهرهایی که در خود کاخ‌ها و اقامتگاه‌های شاه و اعضای خانواده وی را جای می‌دادند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۱۸). اسم شهرهای ساسانی اکثراً با نام پادشاه همراه بود، از جمله «اردشیر خوره» «ریو اردشیر» «رام اردشیر» و غیره که نشان می‌دهد شاهان ساسانی به چه‌اندازه در ساخت شهرها سعی و اهتمام خاص داشته‌اند (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۶۶). اهمیت و توجه فوق‌العاده‌ای را که شاهان ساسانی به ساخت شهرها داشته‌اند به خوبی می‌توان در کتاب شهرستان‌های ایران دید که به کررات به شهرهای ساخته شده توسط پادشاهانی چون اردشیر و شاپور اشاره کرده و

ساختاری شهرها را دگرگون ننمود و این مقوله در دراز مدت به انجام رسیده است که این مبحث یکی از اهداف مقاله حاضر به شمار می‌رود.

موقعیت جغرافیایی بیشاپور

شهر تاریخی بیشاپور در دامنه ارتفاعات معروف به کوه مره، در فاصله ۲۳ کیلومتری شهرستان کازرون (سرفراز، ۱۳۶۶: ۲۳) و در ۱۲۰ کیلومتری غربی شهر شیراز، بر سر راه بندر بوشهر قرار دارد (مهریار، ۱۳۷۹: ۱۱). این شهر در کنار جاده شاهی روزگار باستان که یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی کشور بود، ساخته شد. بدین ترتیب که از یک طرف به بین‌النهرین، شوش و تیسفون و از طرف دیگر به فیروزآباد، استخر و خلیج فارس مربوط می‌شد (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۶). این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و موقعیت اقتصادی در دنیای قدیم به عنوان یک چهار راه تجاری و موقعیت نظامی مورد توجه بوده است (کیانی، ۱۳۷۰: ۱۳۴) (تصویر ۱).

شهر شاهی بیشاپور در دوره ساسانی

شاپور اول شهر مورد علاقه خود بیشاپور را در محلی که رودخانه شاپور پس از عبور از دره وارد دشتی حاصلخیز می‌شود، بنا کرد (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۱۴). این شهر پایتخت و مرکز اداری ولایت شاپورخوره بوده است (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۹۰۰). در واقع نشانه شکوه و عظمت فرمانروایی شاپور و نقطه اوج و اعتلای تاریخ امپراتوری ساسانیان به شمار می‌آید (هوف، ۱۳۷۴: ۴۴). بیشاپور به عنوان یک شهر شاهی که یک پادشاه برای خودش ساخته بیانگر سلیقه، قدرت، جلال و شکوه وی بوده است و باید همه نشانه‌های موفقیت‌ها، شکوه و جلال وی را در خود داشته باشد.

بیشاپور یک "ورسای ساسانی" بوده است. یک اقامتگاه بهاره برای شاه، دربار، وابستگان و خانواده او بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۳۸). بیشاپور در زمان بنیادش دارای هیچ نوع کاربرد سیاسی، اداری و اقتصادی نبوده و شاید بتوان گفت این اثر تنها محصول اشتیاق شاهانه یک شاه است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۳۷). تاریخ ساخت این شهر را باید به سال ۲۴۴ میلادی و پس از

عناصر جدید و جایگزینی آن‌ها در عناصر کهن، چون مسجد و یا جابجایی جامعه شهری، حال و هوای جهان‌بینی جدید در شهرها دمیده شد (حبیبی، ۱۳۷۸: ۵۰). شهر دوره اسلامی دیگر «شهر- قدرت» یا همان شهر شاهی دوره ساسانی نیست (حبیبی، ۱۳۷۸: ۴۰). در این دوره شهرنشینی در ایران رونق گرفت و از آن جایی که نظام شهری از عناصر اساسی در شرق بود، فاتحان عرب برای استقرار حکومت خود در سرزمین‌های اسلامی کار شهرگرایی و شهرنشینی را دنبال کردند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴). شهرهای ایران پس از آن که در دوره اسلامی رشد و گسترش یافتند، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند (اشرف، ۱۳۵۳: ۲۳). آنگاه که اسلام وارد شهری می‌شد، تحولی در نظام جامعه پدید آمده و برای فرد حقوق تازه‌ای به ارمغان می‌آورد. در جامعه، نظام طبقاتی امتیاز خاندان از میان رفت و دین تازه فاصله میان اشراف و فرودستان را کم کرد (پارسا و یزدان‌ستا، ۱۳۸۴: ۶). بعد از فتح ایران توسط اعراب مسلمان، دین‌های زرتشتی، مسیحی و یهودی از اهل کتاب شمرده شدند و برای کسانی که اسلام نمی‌آوردند و به دین سابق خود باقی می‌ماندند، مالیات خصوصی به نام جزیه معین شد و آنان را اهل ذمه خواندند (مشکور، ۱۳۵۶: ۱۲۲). این تسامح نسبت به اهل کتاب مبتنی بر نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بود و اسلام آسایش و آزادی آن‌ها را تا حد امکان تضمین می‌کرد و به ندرت ممکن بود بدون نقض عهدی مورد تعقیب باشند (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۲۳) و زرتشتیان توانستند مانند مردم عادی زندگی کنند و در بسیاری از موارد اهالی، بر طبق عادات و رسوم آنان عمل می‌کردند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۳۴۸). چنان که اسلام با نوید آزادی و برابری چون مژده جانبخش به مردم رسید و ایران را وارد فضایی حیاتی مشترک تازه‌ای کرد؛ و نظام طبقاتی را که ویژگی جامعه ساسانی بود از میان برداشت و به اعضای طبقات فرودست نیز امکان دست‌یابی به مناصب عالی و برخورداری از دانش را داد (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۸۳). آن چیزی که بیش از هر چیز دیگر روح تشنه ایرانی را به سوی اسلام می‌کشید عدل و مساوات اسلام بود و این اسلام بوده است که احساس برابری و برادری را میان مردم زنده کرد (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۳۰۷). اما باید یادآور شد که ورود اسلام به شهرها به سرعت ترکیب اجتماعی و

میان باغ و فضای سبز قرار گیرد (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۰). بیشاپور دارای مناظر طبیعی زیبا و آب فراوان بوده و موقعیت سوق‌الجیشی مهمی داشته که چهارراه و محل ارتباط راه‌های قدیمی ایران بوده است (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۶). شاپور شهری بزرگ و آباد ساخت به طوری که با انطاکیه، یکی از زیباترین و ثروتمندترین شهرهای متمدن آن روز رقابت می‌کرد و مردم از جاهای دیگر برای سیاحت به آن جا سفر می‌کردند (سرفراز، ۱۳۷۲: ۴) و به حق می‌توان آن را تخت جمشید دوره ساسانی به شمار آورد (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۰). این شهر از نظر وسعت کوچک‌ترین و از لحاظ کیفیت خرم‌ترین ولایت فارس به حساب می‌آمد به طوری که مقدسی با اعجاب و تحسین فراوان آن را "ولایتی محبوب" می‌نامد (شوارتس، ۱۳۷۲: ۵۹).

حصار شهر

حصار شهر به موازات رودخانه و بنا به مقتضیات جریان آن که از سطح شهر در حدود ۱۵ متر پایین‌تر ساخته شده است. قطر دیوار در حدود نه متر است که با قلوه سنگ و ملاط گچ و با برج‌های پشتبند و توپر به صورت تزیینی ساخته شده است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۴). برج‌ها جزئی از الحاقات حصار نیست بلکه جای هر یک از آن‌ها قبلاً بر طبق نقشه طراحی و در داخل دیوار پیش‌بینی شده است (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۰). بر روی آن‌ها به طور منظم شکاف‌های تیراندازی به صورت مزغل جاسازی شده که شهر زیبای بیشاپور را از نظر حفاظتی به صورت یک دژ نظامیو تدافعی جلوه گر نموده است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۴). در اواسط دوره ساسانی تغییرات کلی در حصار و برج‌های شهر پدید آمد که از مظاهر آن قطع برخی از برج‌هاست. در آن زمان، گاهی از هر سه برج متوالی، یکی را قطع کردند و در نتیجه، فاصله‌ای در حدود هشت متر بین برج‌ها به وجود آمد (سرفراز، ۱۳۴۸: ۷۳). بعدها در دوران اسلامی به جهت استخراج مصالح که در ساخت بناهای دوره اسلامی به کار رفته است برج و بارو ریشه کن شده است (سرفراز، ۱۳۷۲: ۲۶).

قلعه دختر

قلعه دختر در جانب شمال شرقی شهر بیشاپور بر بالای کوه

پیروزی بر امپراطوری روم دانست، طلایی که رومی‌ها برای صلح پرداختند، خزانه شاهی را پر کرد و اسیران و زندانیان رومی که به عنوان نیروی کار با تجربه به ایران آورده شدند شرایط ساخت شهر را مهیا نمودند (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۷). با توجه به کتیبه ستون‌های یادبود که به دو خط پهلوی اشکانی - ساسانی نوشته شده، زمان پایان ساخت شهر بیشاپور به احتمال زیاد سال ۲۶۶ میلادی است (سرفراز، ۲۵۳۵: ۱۳۲).

نقشه شهر مستطیل شکل و دور شهر دارای حصار مستحکم و قطور بوده که در جبهه شمالی آن به مقتضیات رودخانه شاپور دارای انحنا است. اطراف حصار شهر دارای خندقی است که به منظور حفاظت بیش‌تر آب در آن جریان داشته است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳: ۲۸۱). در قسمت دیوار شمالی قلعه دختر قرار داشته که از شهر حفاظت می‌کرده است (هوف، ۱۳۷۴: ۴۵). مکان شهر به خوبی انتخاب شده بود و به آسانی قابل دفاع بود و شکارگاه‌هایی برای شاه ساسانی در آنجا وجود داشت (گارثویت، ۱۳۸۷: ۱۷۸). شهر در حدود دو کیلومتر طول و یک کیلومتر پهنا داشت (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۰). این شهر ۱۵۵ کیلومتر مساحت داشت که مهم‌ترین شهر شاپور در فارس محسوب می‌شد (ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۲۰۲). در ساخت این شهر از اسیران رومی استفاده شده است و به همین دلیل تاحدی تأثیر شهرسازی رومی در آن به چشم می‌خورد (فرشاد، ۱۳۶۲: ۱۹۴). شهر دارای چهار دروازه است که به نام‌های دروازه بهرام، دروازه مهر، دروازه شهر و دروازه هرمز نامیده می‌شده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵). از دروازه‌ها دو خیابان بزرگ شروع می‌شده که بخش‌های مختلف شهر را طی می‌کردند و در مرکز شهر با زاویه قائمه یکدیگر را قطع و شهر را به چهار بخش کاملاً معین و محدود تقسیم می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۰). خیابان شرقی - غربی توسط پلی از رودخانه می‌گذشت و دو ستون یادبود در قسمت تقاطع دوخیابان اصلی وجود داشت (هوف، ۱۳۷۴: ۴۵). اپسای معمار شهر تلاش نموده نقشه‌ای برای این شهر طرح نماید که علاوه بر دوخیابان اصلی که در مرکز شهر یکدیگر را قطع می‌کنند در زوایای قائم این خیابان‌کشی‌ها، کوچه‌ها و محلات به گونه‌ای محدود و محصور شوند که در آنجا خانه بزرگان و اشراف در

بدون ملاط و به صورت دوجداره که با بست‌های آهنی به هم قفل ساخته شده است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۶۲). در عمق شش متری از سطح زمین‌های اطراف ساخته شده و انشعابی از آب رودخانه شاپور به درون معبد هدایت می‌شده است (سرفراز، ۱۳۵۶: ۹). دسترسی به بنا بوسیله پلکانی که در جنوب شرقی بنا قرار دارد صورت می‌گیرد (بزناول، ۱۳۷۹: ۱۹۸). راه پلکانی با ۲۵ پله سطح خیابان را به فضای داخل معبد می‌رساند. دور معبد را چهار دالان فرا گرفته که در آن‌ها جوی‌های کوچک آب جریان دارد و از دالان‌ها چهار در به صحن معبد راه دارد (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۱۶). بر بالای هر بدنه معبد، چهار مجسمه گاو به صورت دو پشتی قرار دارد که هم اکنون در بدنه شمال دو مجسمه گاو به خوبی پیداست که علاوه بر جنبه تزیینی، سمبل و نماد معبد هستند (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۴).

تالار تشریفات

تالار عظیم پذیرایی شاپور در جنوب شرقی معبد به صورت پلان چلیپاشکل برای اولین بار در معماری ساسانی مطرح گردید (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۶). تالار دارای طول ۳۷ متر بوده و در ساخت آن از سنگ و ملاط گچ استفاده شده و سطح آن با اندود گچ پوشانده شده است (پوپ، ۱۳۴۶: ۵۶). این تالار شامل یک صحن عظیم چهار گوش با اضلاع برابر ۲۲ متر بوده که در وسط هر یک از دیوارهای آن یک ایوان بزرگ قرار داشت (نصیری انصاری، ۱۳۵۰: ۴۵) که روی هم تالار دارای چهار ایوان متقارن و متقابل است که بر فراز آن گنبدی شلجمی شکل عظیم وجود داشته که ۲۵ متر ارتفاع داشته است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۵۲). در این قسمت تعداد قابل توجهی سکه از دوره اموی در ایوان‌های موزاییک به دست آمده است (مهریار، ۱۳۷۸: ۳۰).

ایوان‌های موزاییک

در انتهای دالان‌های شرقی و غربی تالار تشریفات دو ایوان مزین به موزاییک وجود دارد که در جهت عکس هم قرار گرفته‌اند و ورودی ایوان‌ها از این دو رواق بوده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳: ۲۸۴). ایوان‌ها طاق هلالی داشته که اطراف

مستحکمی وجود دارد که قلعه نظامی شهر بوده است (مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۲۳). عمده مصالح این بنا سنگ و گچ بوده و دارای اتاق‌ها و راهروهای متعددی بوده و فقط یک راه ورودی داشته است (سرفراز، ۱۳۴۸: ۷۱). این بنا به احتمال زیاد در ردیف بناهایی جای می‌گیرد که پس از فتح شهر، جایگاه استقرار فاتحان مسلمان بوده است (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۶).

محل شاه‌ی

به نظر می‌رسد ارگ و کهندژ که هسته مرکزی و کانون اصلی شهر و مقر درباریان بوده منحصراً در جبهه شمال شرقی شهر قرار داشته است که شاخه‌ای از حصار شهر نیز آن جا را محصور می‌نموده و به آن صورت مستقل و جدا از سایر الحاقات می‌داده است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۷). محل شاه‌ی به ابعاد حدود ۴۰۰×۵۰۰ متر بوده و از طرح هیپودام تبعیت می‌کرد (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۲). این بخش مرکز قدرت و تصمیم‌گیری بود و به عنوان هسته مرکزی با معماری ویژه و منحصر به خود ممتاز می‌شده و بر بخش‌های دیگر تسلط داشته است (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۷۳). خیابان شمالی - جنوبی شهر که از حاشیه این قصور اختصاصی و کاخ‌های پذیرایی و ایوان‌های موزاییک می‌گذشته، به طور غیر مستقیم راه ارتباطی محل شاه‌ی را به سایر مناطق مسکونی، سیاسی و اداری مربوط می‌سازد و نشان می‌دهد که محل سکونت افراد در این دوره بر حسب ارزش‌ها و طبقات اجتماعی که بیش‌تر شامل حال شاه و وابستگانش می‌شد، در این شهر انتخاب می‌گردید و جامعه مردم در اطراف پایتخت و به صورت پراکنده در خیمه و بناهای حقیر سکونت داشتند تا با حاصل دسترنج خود آرامش و رفاه کاخ‌نشینان را تأمین کنند (سرفراز، ۱۳۶۶: ۴۷). در کاوش‌های صورت گرفته توسط سرفراز به ساخت و سازهای متعلق به دوره اسلامی در این قسمت برخورد شده که در ایوان موزاییک، تالار تشریفات و کاخ والرین صورت گرفته است (سرفراز، ۱۳۴۸: ۷۱).

معبد آناهیتا

این بنا به صورت مکعبی است که هر یک از اضلاع آن در حدود ۱۴ متر طول دارند و از سنگ‌های قالبی با ابعاد مختلف و

بیشاپور می‌گذرد و خیابان شمالی - جنوبی را قطع می‌کند، قرار دارد (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۵). فرماندار شهر در سال ۲۶۶ میلادی به افتخار شاه بنای یادبودی در این چهار راه ایجاد کرد و این بنا از سه پایه سنگی که دو تای آن‌ها ستون‌های یکپارچه با سرستون‌های کرنتی ساخته شده بود (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۱۶). وضع موجود نمایشگر آن است که بنا دارای اهمیت خاصی بود و سند تاریخی شهرسازی بیشاپور که به خط اشکانی و ساسانی روی یکی از دو ستون حک شده بود (سرفراز، ۱۳۷۲: ۲۹). پیکره‌ای از شاپور اول که بر روی پایه سوم جای داشته و متن نوشته شده روی پایه ستون، علاوه بر تاریخ شهرسازی بیشاپور، نشان می‌دهد که ناظر و مجری طرح، شخصی سوریایی از اهالی حران به نام افسای دبیر بوده که اقدامات او مورد توجه شاپور قرار گرفت (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۷). در دوره اسلامی پیرامون بناهای یادبود را بناهایی از این دوره احاطه کرده بود.

شهر بیشاپور در دوره اسلامی

بیشاپور بیش‌تر به عنوان یک شهر ساسانی معرفی و عظمت شهر در دوره اسلامی آن موضوعی فرعی انگاشته شده است. اگر چه بیشاپور رونق اولیه دوران ساسانی در زمان شاپور را بار دیگر پیدا نکرد ولی جزو شهرهایی بوده که بعد از اسلام به حیات خود ادامه داده و حتی دوره‌ای از رونق و شکوفایی را در قرون چهارم و پنجم هجری به خود دیده است.

این شهر بعد از سه بار شورش در سال ۲۶ هجری به طور کامل توسط مسلمانان فتح شد و همانند بسیاری دیگر از شهرهای شاهی در نتیجه شعارهایی هم چون برابری و برادری به شهری تبدیل شد که مردم عادی نیز لذت زندگی در دل شهر را بچشند (موسوی حاجی، ۱۳۷۶: ۲۲۳). سکه‌های ضرب بیشاپور در صدر اسلام از نقش رستم به دست آمده با ضرب "سابور" که نشان می‌دهد در قرن اول هجری در این شهر سکه ضرب می‌شده است و بیشاپور دارای رونق چشمگیری بوده است. آثار سکونت به دست آمده از سه قرن اولیه اسلامی از این شهر از ادامه حیات شهر در قرون بعدی خبر می‌دهد، ولی در اوایل قرن چهارم با آمدن دیالمه بیشاپور بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و به شهری آباد تبدیل می‌شود که تا قرن ششم هجری رونق خود

آن‌ها را دالان‌هایی فرا گرفته و صحن آن‌ها با موزاییک مفروش بوده است (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۴).

ایوان موزاییک غربی نمونه‌ای از شاهکارهای هنر معماری و سبمل زیبایی عصر ساسانی است (سرفراز، ۱۳۵۳، ۲۳). کف ایوان‌ها با موزاییک‌هایی با نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی و هندسی تزیین شده بود (سرفراز، ۱۳۶۶: ۶۰). نقوش انسانی بیش‌تر زن‌های درباری، نوازندگان، رقاصه‌ها، زنان گل به دست و تصاویر زنان و مردان را نشان می‌دهد (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۵۵). سطوح جانبی ایوان و بدنه‌های ورودی‌ها را با گچبری‌های ستون‌نما که روی آن‌ها را با رنگ‌های قرمز و حاشیه سیاه و نوارهای آبی رنگ آمیزی و تزیین کرده، پوشانده‌اند (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۴). در هنگام حفاری از رواق غربی در ایوان موزاییک در سطحی که یک متر بالاتر از کف اصلی قرار داشت، بقایای مسکونی قرن پنجم هجری که در اثر آتش سوزی ویران شده بود، به دست آمد و جالب آن است که ساکنان این مکان به منظور استفاده و سکونت در این محل با مسدود کردن یکی از راهروهای ایوان موزاییک آن را به صورت کوچک‌تری در آورده‌اند و آثار این تغییرات و مرمت دیوار در قرن پنجم دال بر آن است که بسیاری از بناهای محله شاهی در دوره اسلامی تعمیر و مورد سکونت واقع شده‌اند. حیاط در دوره اسلامی چندین بار مرمت شده است (سرفراز، ۱۳۵۳: ۲۴).

کاخ والرین

در فاصله ۱۵۰ متری شرق تالار تشریفات و در محور دالان جنوبی بقایای فروریخته عظیمی است که آن را کاخ والرین نامیده‌اند (سرفراز، ۱۳۷۲: ۱۵). جدار داخلی را با سنگ‌های تراشیده و سطح خارجی را با روکش گچ سفید کرده‌اند که به صورت یک کاخ سفید جلوه‌گر شده است (مظفریان، ۱۳۷۳: ۷۸). گیرشمن معتقد است که این مکان در دوره اسلامی به مسجد تبدیل شده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۹) که البته در جای خود باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

ستون‌های یادبود (یا جایگاه نذورات)

این بنا در حاشیه خیابان شرقی - غربی که از مرکز شهر تاریخی

آتشکده‌ای است که آن را محترم می‌دارند" (مسعودی، ۱۳۷۸: ۶۰۵). اصطخری در قرن چهارم نیز از شهر به نام سابور یاد کرده که در فراخی و طول و عرض مثل استخر بوده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۹) و می‌گوید در این شهر مسجد جامع بوده (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۸) و شهر دارای حصار است، اما ربض ندارد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۳). از دو آتشکده مهم در این شهر به نام‌های "شبرخشین" و "جنبد کوس" نام می‌برد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۵). از کوهی نام می‌برد که تمامی صورت پادشاهان، روحانیون، دانشمندان و بزرگان ایشان که مشهور بوده‌اند، در آن جا نقش کرده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۴۱). بعد از او ابن حوقل که در قرن چهارم از این شهر دیدن کرده است، درباره این شهر می‌نویسد: "شاپور شهری است که شاپور ساخت و وسعت آن در حدود استخر است، ولی از استخر آبادتر و جامع‌تر و مردمش توانگرترند و بناهای آن نیز در حدود بناهای استخر است" (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۷). شاپور را مرکز ولایت شاپورخوره دانسته و شهر را دارای منبر و یک قلعه می‌داند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۸). حمزه اصفهانی می‌نویسد که شاپور این شهر را به جای شهری ساخت که به دست طهمورث ساخته شده بود و به دست اسکندر ویران گشته و نام نخستین آن از میان رفته است (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۷). نویسنده کتاب حدودالعالم در اواخر قرن چهارم هجری می‌نویسد: "بشاور، شهری توانگر و از گرد وی یک باره است. شاپور خسرو کرده است. اندر وی دو آتشکده است کی آن را زیارت کنند، به نزدیک وی کوهی است که بر آن صورت هر ملکی و موبدی و مرزبانی کی پیش از وی بوده است نگاشته است، سرگذشت‌های ایشان، بر آن نبشته است" (بی‌نام، ۱۳۷۲: ۳۷۸). یکی از کتاب‌های مهمی که نام شهر بیشاپور در آن آمده است کتاب فردوس‌المشردیه فی اسرارالصمدیه در احوال شیخ ابواسحق کازرونی و متعلق به قرن چهارم و اوائل قرن پنجم است. در این کتاب چندین بار از شهر بیشاپور و اهل آن سخن رفته و از مسجد جامع بیشاپور و کاروانسرای آن نام برده شده است (ابن عثمان، ۱۳۳۳: ۶۱). مقدسی در قرن چهارم توصیفات بسیار خوب از دوره اسلامی این شهر ارائه کرده است و از این شهر به نام «شهرستان» یاد کرده و می‌نویسد: "در گذشته آباد و پرجمعیت و خوب بوده،

را ادامه می‌دهد، ولی بعد از آن زلزله مهیبی در این شهر رخ می‌دهد و شهر رونق خود را از دست می‌دهد. هرچند سکونت در دوره‌های بعدی نیز به گواه داده‌های باستان‌شناختی خصوصاً سکه‌ها در زمان اتابکان، صفویه و افشاریه و زندیه ادامه داشته است اما هیچگاه رونق گذشته خود را به دست نیاورد (سرفراز، ۱۳۶۶: ۷۱).

سطح این شهر پوشیده از ساخت و سازهای دوران اولیه دوره اسلامی است (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۲). در دوره اسلامی علاوه بر مسلمانان، زرتشتیان نیز در این شهر زندگی می‌کردند چنان که مقدسی می‌گوید: "مجوسان از یهودیان پیش‌تر و نصارا نیز اندکی هستند" (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۵۳). "ایشان نوروز و مهرگان را با مجوسان عید می‌گیرند" (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۵۶). ابن حوقل نیز می‌گوید: "زرتشتیان فارس از نقاط دیگر پیش‌تر هستند، زیرا مرکز فرمانروایی و ادیان و کتاب‌ها و آتشکده‌های آن‌ها در آنجاست و در زمان ما نیز مردم وارث همان امورند" (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۵۹). از ویرانی آتشکده‌های آنان به دستور سردمداران و یا هر اقدام دیگری علیه مقدسات زرتشتی به ندرت شنیده می‌شود، بلکه به عکس اوستا را از کتب مقدس زرتشتیان به حساب می‌آورند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۳۳۷-۳۳۸).

اصطخری علاوه بر مسلمانان از زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان یاد کرده و می‌آورد که زرتشتیان از همه پیش‌تر هستند و می‌گوید: "کتاب‌های زرتشتیان و آتشکده‌ها و هر چه در ایام پادشاهانشان بوده را به ارث برده‌اند، دین خود را مستحکم و موقر می‌دانند و زرتشتیان در هیچ جا بیش‌تر از پارس نبوده، به این دلیل که خانه‌های پادشاهان و دین و کتاب‌های ایشان در آنجاست" (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۲۸).

بیشاپور در منابع جغرافیایی و تاریخی قدیم

ابن خردادبه متوفی ۳۰۰ هجری سابور را یکی از پنج کوره فارس می‌آورد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۸). بعد از او یعقوبی از این شهر به سابور یاد کرده است (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۲۱۸). ابن رسته این شهر را از اقلیم سوم می‌داند و می‌گوید سابور از خوره‌های استان فارس است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲). مسعودی در مروج‌الذهب خود می‌نویسد: "در شهر شاپور فارس

رود بشااور گویند. در این شهر چندان درختستان از میوه‌های گوناگون و نخل و خرما و ترنج و لیمو باشد که آنجا هیچ قیمت نگیرد ... مشمومات چون نیلوفر و نرگس و بنفشه و یاسمین بیش از حد بسیار بود و درخت توت بسیار باشد و ایریشم کنند. عسل و موم ارزان باشد." (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۳۰). زرکوب شیرازی از این شهر به نشاپور یاد کرده و از مجسمه شاپور در این شهر یاد کرده و کازرون را از متعلقات این شهر می‌داند (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۸) و در فارسنامه ناصری از این شهر به پایتخت شاپورخوره نام برده شده است (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۹۰۰) و در جهان‌نامه نیز از این شهر به بشاپور یاد شده که در آن جا کوهی است که پادشاهان را در آن نقش کرده‌اند (بکران، ۱۳۴۲: ۸۲). در کتاب آثارالعجم این شهر را از توابع کازرون دانسته که دارای دهات بسیار است و از آثار دوره ساسانی آن نام برده که نشان از عظمت و بزرگی شهر داشته است (نهجیری، ۱۳۷۰: ۲۷۳) (تصویر ۲ و تصویر رنگی ۱۸).

معرفی بناهای دوره اسلامی بیشاپور

مدرسه یا (مسجد- مدرسه) دوره اسلامی

در جبهه شمالی شهر واقع در محله شاهی بقایای مدرسه‌ای جهت طلاب علوم دینی به دست آمده است (سرفراز، ۱۳۷۲: ۲۷). با توجه به نوشته تاریخ‌نویسان بیشاپور بعد از مدتی رکود دوباره در قرن چهارم هجری رونق می‌یابد که این بنا به احتمال زیاد مربوط به قرن چهارم یا ابتدای قرن پنجم هجری است (سرفراز، ۱۳۸۱: ۱۳۴). آثار معماری بر جای مانده از این مدرسه گویای دو دوره ساختمانی است. به نظر می‌رسد که بنای اولیه در جریان زلزله ویران، و بلافاصله با تغییراتی بازسازی می‌شود (مظفریان، ۱۳۷۳: ۸۰). مدرسه با نقشه مستطیلی شکل ساخته شده و دارای حصار نسبتاً مستحکم و سنگی با برج‌هایی در زوایای آن بود. به نظر می‌رسد در گوشه‌ای از این بنا مناره‌ای وجود داشته است (سرفراز، ۱۳۸۱: ۱۳۴). این مدرسه به صورت دو صحنی ساخته شده که برای تدریس زنان و مردان مورد استفاده بوده و لذا کامل‌تر از نوع خود در بین آموزشگاه‌های قرن چهارم و ابتدای قرن پنجم هجری بوده است (سرفراز، ۱۳۸۴: ۱۵۰) (تصویر ۵ و تصویر رنگی ۲۱).

ولی امروز درمانده و حومه آن ویران شده است، ولی باز هم پربرکت و مرکز ویژگی‌های متضاد است. مسجدهایش سرپوشیده، گرماب‌ها خوب، خانه‌ها بسیار، مردم وارسته و عارف ... باغ‌ها خوشبو از یاسمن، در آن‌ها، هم خرما بینی، هم انجیر ... ساختمان‌ها از گچ و سنگ، جامع در بیرون شهر میان باغستانی زیبا و خوش جا دارد. شهر چهار دروازه دارد: دروازه مهر، دروازه هرمز، دروازه بهرام، دروازه شهر. گردش خندقی است، نهر به دور قصبه می‌گردد که با پل‌ها از آن می‌گذرند. کنار شهر دژی بنام «دنبلا» هست که جلوی آن مسجدی است، و در میانش مسجد دیگر که با سنگ سیاه فرش شده محرابی دارد ... مسجد خضر نیز در آن جاست. نزدیک دژ، زندانی پیش از اسلام هست که دیواری از مرمر دارد ... یک بازار بنام بازار کهنه دارد" (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵).

ابن بلخی در اوایل قرن ششم هجری می‌نویسد: "بیشاپور از اعمال پارس، این بیشاپور در اول، طهمورث کرده بود، پیش از جمشید و آن را «دین دلا» گفتندی، پس اسکندر رومی آن را خراب کرد و این شاپور بن اردشیر آن را به حالت عمارت بازآورد و «بی شاپور» نام نهاد اکنون «بشاپور» می‌خوانند" (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۷۶). بشاپور در اصل «به شاپور» و «وه شاپور» است، یعنی نیک و با عظمت. که غالباً شهرستان یعنی محل شهر یا کرسی و پایتخت نامیده می‌شده است" (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۴۱). مسجد جامع و منبر دارد، و مردم آن متمایز باشند" (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۴۳). قزوینی در قرن هفتم هجری از این شهر یاد کرده و می‌نویسد: "سابور شهری در زمین فارس، شاپور بن اردشیر ساخته، هر که به آنجا رود و داخل شود، همیشه بوی خوش شنود به سبب بسیاری گل‌ها و درختان و شهری است با صفا و دهات از کثرت باغات به هم متصلند. و در هر فرسخی بقالی و خبازی نشسته" (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۷۵).

در قرن هشتم هجری مستوفی در نزهت‌القلوب از این شهر یاد کرده و علاوه بر توصیف وضع آب و هوا و میوه‌های آن می‌گوید که مردم این شهر شافعی مذهبند و مجسمه‌ای در این شهر وجود دارد که شاهان این ولایت به زیارتش می‌روند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۵). حافظ ابرو در قرن هشتم می‌گوید: هوای شهر گرمسیر است ... آب آن از رودی بزرگ است که آن را

مسجد

این مسجد که احتمالاً مربوط به زمان آل بویه بوده مهم‌ترین بنای مذهبی یک شهر اسلامی به شمار می‌رفته است (موسوی حاجی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). این بنا در جنوب غربی بنای یادبود قرار دارد که مربوط به قرن چهارم یا پنجم هجری بوده است. دیوارهای الحاقی نشان‌دهنده تغییراتی است که در دوره‌های متأخرتر در فضای مسجد صورت گرفته است. در ساخت این بنا از مواد و مصالح بناهای ساسانی استفاده شده است (مهریار، ۱۳۷۹: ۶۹). این مسجد مربع شکل و دارای نظم شطرنجی و ستون‌های مدور است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

مسجد در قرون اولیه اسلامی عنصری مهم و اساسی به شمار می‌رفته که به صورت مهم‌ترین رکن مذهبی شهر اسلامی در می‌آید و به عنوان یک مرکز پر اهمیت تصمیم‌گیری اجتماعی-سیاسی مطرح می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۱) و رابطه‌ای مستقیم را با بافت مسکونی از یک سو و بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر، برقرار می‌کند (فلامکی، ۱۳۸۰: ۱۲۹) (تصویر ۶ و تصویر رنگی ۲۲).

بازار دوره اسلامی

بازار شهر اسلامی بیشاپور در مرکز شهر قرار دارد و بافت متراکمی را نشان می‌دهد. بازار که با حجره‌های متعدد و متنوع در حواشی خیابان ساسانی موسوم به خیابان افسای دبیر ساخته شده، یادآور جنب و جوش صدها مسلمان قرون سوم تا هفتم هجری است که برای کسب رزق و روزی، به کار و فعالیت مشغول بودند (موسوی حاجی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). مقدسی از این بازار به نام بازار کهنه یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵). در محل ستون‌های یادبود که مرکز شهر اسلامی بوده، راسته بازارها و محله صنعتگران با بافت‌های فشرده بناهای مرکزی و بافت پراکنده بناهای پیرامون شهر قابل ذکر است (شاه‌محمدپور، ۱۳۷۹: ۱۴۴). رشد شهر اسلامی از همان طرح دوره ساسانی تبعیت می‌کرده است که دو طرف خیابان مرکز شهر بازار دوره اسلامی قرار داشته است (شاه‌محمدپور، ۱۳۷۹: ۱۴۴). تجمع ساختمان‌های متعدد در محدوده بازار مرکزیت خاصی به این مکان داده است (شاه‌محمدپور، ۱۳۷۹: ۱۴۷). در این مکان تنها

عنصری که بدون شک مربوط به دوره ساسانی است همان دو ستون یادبود بوده است (شاه‌محمدپور، ۱۳۷۹: ۱۴۷). متأسفانه حفاری زیادی در این منطقه صورت نگرفته است. راه اصلی ورودی شمالی شهر با خیابانی در راستای درازای محور پل، به مرکز شهر همان فضای پیرامون بنای یادبود و شبکه معابر شطرنجی شهر دسترسی پیدا می‌کند. بافت متراکم بناهای دوره اسلامی شهر به ویژه برجستگی تپه‌های به هم پیوسته مربوط به بناهای عمومی و خدماتی، در دو قسمت خیابان مرکزی شهر نشان از مرکزی پر جنب و جوش داشته است (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۶).

بازار در مجموعه ساخت شهر مرکز عمده کنترل سیستم اقتصادی و مالی به حساب می‌آمده است. بازار نه تنها محل فعالیت‌های اقتصادی، بلکه نقش اجتماعی-سیاسی را نیز دارا بوده است (توسلی، ۱۳۸۱: ۲۲).

قلعه یا دارلاماره دوره اسلامی

بنا در بخش غربی شهر بیشاپور و در برابر محله شاهی بر پا شده است (مهریار، ۱۳۷۹: ۷۰). تالوت رایس اولین کسی است که از این بنا یاد کرده و آن را یک کاخ دوره ساسانی یا قصری متعلق به اوائل دوره اسلامی می‌داند (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۸). هوف از این بنا به عنوان یک مسجد بزرگ از صدر اسلام یاد می‌کند (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۲). گیرشمن از آن به عنوان یک کاخ اموی یاد کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۰). گیرشمن معتقد است که بیشاپور در زمان بنی‌امیه یک دوره بازسازی به خود دیده و از دو بنای مربوط به زمان خلفا نام می‌برد که یکی از آن‌ها بزرگ و مهم بوده که ویرانه‌های آن در جبهه جنوبی قرار داشته است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۴۳). این بنا در جنوب بقعه سیدمحمد قرار دارد که ۶۰۰۰ متر مربع وسعت داشته است. بنا دارای نه برج است که چهار برج آن در زوایا استوانه‌ای شکل بوده‌اند (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۸). ایوان شرقی ورودی اصلی در محور دروازه بوده است. در ساخت این بنا از سنگ‌های مکعب شکل با تراش دو تیشه بسیار بزرگ به کار برده‌اند که به احتمال زیاد از بزرگ‌ترین سنگ‌های چهارتراش کاخ‌های شاهی استفاده کرده‌اند (مهریار، ۱۳۷۹: ۸۱). این بنا بزرگ‌ترین بنای ساخته

موجود، عملکرد بنا را مشخص ساخت (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

سومین حمام: این حمام متعلق به قرون چهارم و پنجم هجری است، و در مرکز بافت بناهای شهر اسلامی و در مجاورت محور شمالی-جنوبی اصلی شهر قرار داشته (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۷) و در بافت اصلی شهر واقع شده است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۵۵). حمام خزینه نداشته و آب آن در حوضچه‌هایی که در داخل دیوارها تعبیه شده بود، جمع می‌شد (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۵۱). در ساختمان سردر ورودی، هشتی و کف رختکن از سنگ‌های تراشیده صیقلی و مکعب شکل بزرگ مربوط به بناهای دوره ساسانی سود جسته‌اند. ساختمان دیوارها از سنگ گچ است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۶۶) و تعداد لایه‌های اندود نشان می‌دهد که بنا طی دوره‌های مختلف چندین بار تعمیر شده است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۶۸) (تصویر ۴ و تصویر رنگی ۲۰).

بناهای صنعتی و تولیدی

سرفراز از دو کارگاه عصاره‌سازی که به نحو جالبی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، یاد می‌کند اما جزئیات آن‌ها را شرح نداده است (سرفراز، ۱۳۴۸: ۱۰). گیرشمن نیز از یک کارگاه صنعتی مربوط به دوره اسلامی در نزدیکی ستون‌های یادبود نام می‌برد، ولی گزارشی از حفاری در این مکان ارائه نکرده است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۵).

مانده‌هایی از کارگاه‌های صنعتی شهر همچون تنوره‌های آسیاب و کوره‌های ذوب شیشه در حاشیه جنوبی شهر و در راستای لبه خندق به چشم می‌خورد که از آب چشمه پای قلعه دختر علاوه بر مصارف دفاعی و نظامی برای مصارف صنایع مورد نیاز شهر نیز استفاده می‌کرده‌اند (مهریار، ۱۳۷۹: ۴۹). تنوره‌های آسیاب که در امتداد لبه خندق جنوبی شهر بر جای مانده‌اند و تراکم جوش کوره‌های شیشه و همچنین جوش کوره سفال در حوزه جنوبی بخش مرکزی شهر را می‌توان نشانه کارگاه‌های خدماتی و تولیدی در این بخش از شهر تلقی کرد (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۸). البته با توجه به انبوه خرده‌های فراوان باقی مانده از اشیاء شیشه و جوش کوره می‌توان دریافت که شهر بیشاپور یکی از کانون‌های تولید شیشه بوده است (مهریار،

شده در دوره اسلامی در بیشاپور است که تا کنون در بعضی از قسمت‌های آن حفاری‌هایی انجام شده و با توجه به آثار بدست آمده از آن متعلق به قرون سوم تا پنجم هجری است (مهریار، ۱۳۷۹: ۷۸). بخش میانی که در محور شمالی-جنوبی دروازه ورودی شهر بوده، و دسترسی به آن از روی تنها پل روی رودخانه شاپور میسر بوده، دسترسی یکسانی به قطب حکومتی و دارالاماره دوران اسلامی داشته است. این بنا همچنین از موقعیتی پابرجا و پررونق نیز برخوردار بوده است. تراکم تپه‌ها در بخش میانی این محور بسیار زیاد به نظر می‌رسد و در فاصله میان مرکز شهر تا دارالاماره به تدریج از پیوستگی تپه‌ها کاسته شده، تا جایی که تپه‌های منفرد در میان فضاهای باز دیوارکشی شده، برجسته مانده‌اند (مهریار، ۱۳۷۹: ۸۲) (تصویر ۳ و تصویر رنگی ۱۹).

حمام‌های دوره اسلامی بیشاپور

بر اساس منابع تاریخی، از همان آغاز گسترش اسلام گرمابه‌های متعددی در شهرها احداث شد، به طوری که در کتاب آل بویه در اوضاع و احوال ایشان آمده: حمام‌های عمومی در بیش‌تر شهرها و به احتمال قوی در روستاها به تعداد کافی وجود داشته است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۳). در بیشاپور تا به حال سه حمام شناسایی شده است: اولین حمام که به آن حمام سه هشت و جهی می‌گویند (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۸). این بنا با فاصله تقریبی ۳۰۰ متر از مرکز شهر به طرف قلعه اسلامی در بافت پراکنده شهری واقع گردیده است (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۷). با انجام تحقیقاتی که توسط هیأت باستان‌شناسی در مورد نحوه گردش آب در تنبوشه‌های سفالی و حوضچه‌های آب که در دیوارها تعبیه شده و همچنین ارتباطات داخلی فضاهای معماری انجام شده، عملکرد اصلی آن شناسایی گردید (شاه‌محمدی، ۱۳۷۹: ۱۴۷). این حمام در سطح آخرین دوره زندگی شهر بر پا شده و با اندکی اختلاف هم سطح شهر امروزی است (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۹).

دومین حمام در راستای شرقی-غربی اصلی شهر در مسیر کارگاه‌ها و راسته‌های تجاری شهر قرار گرفته که پلانی مربع شکل دارد. با بررسی مقدماتی ظواهر و نوع تجهیزات تأسیساتی

۱۳۷۹: ۸۸-۸۹).

روی آوارهای محله شاهی از بخش شرقی شهر مایوس شده و به سمت باغ‌ها و زمین‌های غربی روی آورده‌اند (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۶). در این قسمت خانه‌هایی به دست آمده که دارای حیاط مرکزی چهارگوش بوده و دارای دو ایوان با پوشش قوسی در شمال و جنوب، دو اتاق در بخش شرقی و سه اتاق در بخش غربی بوده و پوشش کل ایوان و اتاق‌ها با طاق‌های هلالی با شیوه طاق آهنگ از سنگ و گچ است (مهریار، ۱۳۷۹: ۷۰).

از دیگر بناهای دوره اسلامی می‌توان به یک بنای چهار طاقی کوچک بر فراز اولین سطح بنای قلعه دختر مشرف به ورودی غربی و رو به نمای شهر بیشاپور اشاره کرد که مربوط به قرون اولیه اسلامی است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۴۴). بنای دیگر بنای قوسی چهار طاقی مجاور بقعه سید محمد قرار است.

بحث

بر اساس داده‌های باستان‌شناختی حاصل از کاوش شهر دوران ساسانی باید گفت چیدمان ابنیه این شهر پیرامون محله شاهی (محله مرکزی که کاخ‌ها و بناهای سلطنتی را در بر می‌گرفت) شکل یافته است و همچنین این محله صورتی مستقل و جدا از سایر فضاهای شهر را از لحاظ ریخت‌شناسی داراست و بر دیگر بخش‌های شهر تسلط دارد که باید ساختار فضایی این شهر را تا حدی نشانگر نظام طبقاتی حاکم بر دوران ساسانی دانست. بدین معنی که طبقات بالای جامعه در هسته مرکزی سکنی گزیده‌اند و طبقات پایین‌تر که قشر فقیر جامعه و مردم عادی را شامل می‌شد در بیرون از حصار شهر در بناهای پراکنده و محقر خود زندگی می‌کردند، زیرا قوانین ساسانی به هیچ وجه اجازه نمی‌داد که فقرا و عامه مردم از طبقه خود تجاوز نموده و در کنار طبقات بالا و ممتاز و بزرگان قرار گیرند. اما بر اساس داده‌های باستان‌شناختی دوران اسلامی که از شهر به دست آمده است شاهد تحولی در ساختار فضایی شهر هستیم. از ابتدای قرن اول هجری از بناهای ساسانی به صورت بناهای مسکونی استفاده می‌گردد اما نه بدان شکل و صورت قبلی. برای مثال در تالار تشریفات محله شاهی دوران ساسانی شاهد استفاده از ایوان‌ها به عنوان منازل مسکونی و از صحن کاخ به عنوان حیاط هستیم که چندین خانواده را در خود جای داده و دیگر از آن شکوه شاهانه

کاروانسرا

کاروانسرای شیخ ابواسحاق بر روی استحکامات ارگ شاهی بنا شده است (مهریار، ۱۳۷۹: ۵۶). شکل‌گیری این بنا در جانشین شدن انتهای برج و باروی پیرامونی محله شاهی است (مهریار، ۱۳۷۹: ۸۱). در ساختمان ورودی بنا از سنگ‌های چهار تراش بناهای ساسانی به کار رفته است (مهریار، ۱۳۷۹: ۸۰).

واحدهای مسکونی در دوره اسلامی بیشاپور

در گوشه و کنار شهر دوره اسلامی بیشاپور ساخت و سازهای واحدهای مسکونی دوره اسلامی را می‌توان دید. این واحدها راهم در محله شاهی و هم در مرکز و جنوب شهر می‌توان مشاهده کرد. پس از آمدن اسلام شهر تغییرات شگرفی به خود دید و از توقفگاه شاهانه باز ایستاد تا مثل اکثر شهرها تبدیل به سکونتگاه شهروندان ساده، تجار، صنعتگران و زمین‌داران شود.

در تالار تشریفات محله شاهی با توجه به بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده، می‌توان دید که در صدر اسلام ایوان‌ها را به منظور استفاده مسکونی به صورت کوچک‌تر در آورده‌اند. آثار این نوع سکونت در ایوان جنوبی و غربی مشاهده گردیده است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۵۶) و این تالار از صدر اسلام تا اواخر قرن پنجم هجری به عنوان حیاط و از ایوان‌ها به صورت واحدهای مسکونی استفاده می‌کرده‌اند و محوطه کاخ نیز به صورت صحن حیاط منازل مورد استفاده قرار می‌گرفته است (سرفراز، ۱۳۶۶: ۵۶). در سه فضای ایوان موزاییک و تالار تشریفات و کاخ والرین نیز دخالت و ساخت و سازهای دوران اسلامی دیده می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۳). سرفراز از آثار سکونت اسلامی در این شهر یاد کرده است که مربوط به قرون اول تا ششم هجری بوده و درخشان‌ترین دوره را مربوط به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری می‌داند و با انجام حفاری در نزدیکی حصار شهر بیش از ۳۲ اتاق و سه کوچه مشخص می‌کند که با مصالح قلوه سنگ و ملاط گچ ساخته شده بودند و داخل با گچ اندود و صافکاری شده بود (سرفراز، ۱۳۴۸: ۱۰). البته به نظر می‌رسد که شهروندان پس از مدتی ساخت و ساز بر

دوره قبل خبری نیست. اتفاق چشمگیر دیگر در بافت متعلق به دوران اسلامی این شهر، حجم قابل ملاحظه از ساخت و سازهای جدید است که با مصالح به دست آمده از بناهای دوره قبل در بیرون از محله‌های شاهی و هسته مرکزی شهر دوران ساسانی صورت گرفته است و باید گفت بنابر داده‌های باستان‌شناسی در قرون اولیه بیش‌تر ترکیب فضایی شهر به هم می‌خورد و طبقات پایین دست به فضاهای بالاتر راه پیدا می‌کنند و همچنین رشد زیادی در خانه‌سازی طبقه تهیدست به وجود می‌آید ولی هنوز تفکر و جهان‌بینی اسلامی به وضوح خود را در ساختار فضایی شهرها نشان نمی‌دهد.

این تغییرات به تدریج و به آرامی صورت ادامه می‌یابد، چون بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی در این شهر شاهد چندین نبرد و طغیان هستیم و منطقه فارس بطور عام و شهر بیشاپور به طور خاص تا قرون متمادی بعد از حضور اسلام، همچنان دارای جمعیت زیادی از زردشتیان بوده است و همچنین در کل کشور رفاه و آسایش و امنیت نسبی به حد کمال به وجود نیامده بود در نتیجه تغییرات در شهرهای ساسانی خصوصاً شهر بیشاپور تا قرن سه هجری به کندی صورت می‌پذیرد.

تغییرات فوق در چهره شهر را باید تا حد زیادی متأثر از اوضاع سیاسی اجتماعی این دوران و همچنین در هم شکستن نظام طبقاتی دوره ساسانی دانست که مردم عادی و تهی‌دست نیز به راحتی می‌توانستند در شهر زندگی و رفت و آمد کنند و هر قسمت از شهر را برای زندگی خود انتخاب کنند. هرچند که این شهر همچنان در ابتدای قرن اول همچنان دارای سیمای شهر شاهانه ساسانی است اما دیری نمی‌پاید که به تدریج رنگ و بوی اسلامی شدن در شهر و بافت‌های شهری حاکم می‌گردد و شهر رفته رفته سیمای باستانی خود را از دست می‌دهد و دیگر به دو قسمت محله شاهی و شارستان تقسیم نمی‌شود، بلکه بنا به مقتضیات دوره جدید ابنیه و مراکز و بافت شهری نو به عنوان بنیان‌های اصلی زندگی شهری رشد و نمو پیدا می‌کنند. اینها را باید با افزایش جمعیت مسلمانان و قدرت یافت حاکمان محلی و تثبیت اسلام در کشور و امنیت نسبی و رشد و احیای مجدد نظام اقتصادی مرتبط دانست. داده‌های باستان‌شناختی بدست آمده از شهر نیز موید این مطلب بوده که در اواخر قرن سوم و چهارم

هجری بافتی جدید شکل می‌گیرد. بدین معنی که مسجد قلب تپنده شهر اسلامی به عنوان یک مرکز مذهبی - سیاسی در محل مناسبی در مرکز شهر ساخته می‌شود و در کنار آن بازار و مراکز مسکونی و بناهای عمومی، مجموعه پیوسته و مرتبطی را تشکیل می‌دهند که برخاسته از روابط فرهنگی و مذهبی و ساختار اجتماعی عصر جدید است. از دیگر سو با توجه به اهمیتی که اسلام برای امور دنیوی و اخروی قرار می‌دهد شاهد اهمیت یافتن و رونق بازار در شهر هستیم که به عنوان ستون فقرات شهر اسلامی در دو طرف خیابان معروف به افسای دبیر شکل می‌یابد و کلیت شهر را در بر می‌گیرد و از میدان و مرکز شهر به سوی دروازه‌های شهر کشیده شده و محلات مسکونی دور بازار تنیده می‌شوند و بناهای عمومی دیگری در اطراف بازار و محله‌های مسکونی شکل می‌گیرند. این ساختار شهری بسیار متفاوت با دوره قبل است. از اتفاقات چشمگیر دیگر حضور بنایی دیگر به نام مدرسه در بافت شهر است. مدرسه به عنوان بنای عمومی دیگر و بنابر دستورات دین جدید که معتقد بود همه مردم می‌توانند از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند شوند شکل گرفت.

ایجاد گارگاه‌های صنعتی چون شیشه‌گری و سفالگری در دل و هسته شهر بر خلاف دوره گذشته اتفاق دیگری است که در شهر بیشاپور دوران اسلامی شاهدیم و این نشانگر این مدعاست که شهر در دوران اسلامی با تفکر رفع نیازهای ساکنان و در هم شکستن نظام طبقاتی دوره قبل شکل گرفته و باید گفت چیدمان ابنیه در فضاهای شهری دوران اسلامی بر اساس جهان‌بینی اسلامی و رفع احتیاجات کلیه مردم است.

برآیند

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت تغییر تحولات کالبدی در بافت شهر شاهی بیشاپور با ورود اسلام از قرن اول تا سوم هجری به کندی صورت گرفته و در این سه قرن ابتدایی بیش از هر چیز ترکیب فضایی شهر به هم خورده است و این شهر همچنان در ابتدای قرن اول و تا حدودی قرن دوم همچنان دارای سیمای شهر شاهان ساسانی است. اما از اواخر سوم و اوایل قرن چهارم ه. ق. به بعد رنگ و بوی اسلامی شدن در شهر حاکم می‌گردد و بنا به مقتضیات دوره جدید ابنیه و مراکز و بافت شهری نو به عنوان

دوره قبل خبری نیست. اتفاق چشمگیر دیگر در بافت متعلق به دوران اسلامی این شهر، حجم قابل ملاحظه از ساخت و سازهای جدید است که با مصالح به دست آمده از بناهای دوره قبل در بیرون از محله‌های شاهی و هسته مرکزی شهر دوران ساسانی صورت گرفته است و باید گفت بنابر داده‌های باستان‌شناسی در قرون اولیه بیش‌تر ترکیب فضایی شهر به هم می‌خورد و طبقات پایین دست به فضاهای بالاتر راه پیدا می‌کنند و همچنین رشد زیادی در خانه‌سازی طبقه تهیدست به وجود می‌آید ولی هنوز تفکر و جهان‌بینی اسلامی به وضوح خود را در ساختار فضایی شهرها نشان نمی‌دهد.

این تغییرات به تدریج و به آرامی صورت ادامه می‌یابد، چون بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی در این شهر شاهد چندین نبرد و طغیان هستیم و منطقه فارس بطور عام و شهر بیشاپور به طور خاص تا قرون متمادی بعد از حضور اسلام، همچنان دارای جمعیت زیادی از زردشتیان بوده است و همچنین در کل کشور رفاه و آسایش و امنیت نسبی به حد کمال به وجود نیامده بود در نتیجه تغییرات در شهرهای ساسانی خصوصاً شهر بیشاپور تا قرن سه هجری به کندی صورت می‌پذیرد.

تغییرات فوق در چهره شهر را باید تا حد زیادی متأثر از اوضاع سیاسی اجتماعی این دوران و همچنین در هم شکستن نظام طبقاتی دوره ساسانی دانست که مردم عادی و تهی‌دست نیز به راحتی می‌توانستند در شهر زندگی و رفت و آمد کنند و هر قسمت از شهر را برای زندگی خود انتخاب کنند. هرچند که این شهر همچنان در ابتدای قرن اول همچنان دارای سیمای شهر شاهانه ساسانی است اما دیری نمی‌پاید که به تدریج رنگ و بوی اسلامی شدن در شهر و بافت‌های شهری حاکم می‌گردد و شهر رفته رفته سیمای باستانی خود را از دست می‌دهد و دیگر به دو قسمت محله شاهی و شارستان تقسیم نمی‌شود، بلکه بنا به مقتضیات دوره جدید ابنیه و مراکز و بافت شهری نو به عنوان بنیان‌های اصلی زندگی شهری رشد و نمو پیدا می‌کنند. اینها را باید با افزایش جمعیت مسلمانان و قدرت یافت حاکمان محلی و تثبیت اسلام در کشور و امنیت نسبی و رشد و احیای مجدد نظام اقتصادی مرتبط دانست. داده‌های باستان‌شناختی بدست آمده از شهر نیز موید این مطلب بوده که در اواخر قرن سوم و چهارم

زیادی بر چیدمان فضایی ابنیه تأثیرگذار است که به خوبی همانطور که قبلاً بحث شد در شهر بیشاپور دیده می‌شود و یا اهمیت اسلام به علم‌آموزی سبب حضور پررنگ مدارس در اکثر بافت‌های شهری می‌گردد) و ساختار زندگی شهری نیز تأثیری مستقیم در ایجاد ابنیه جدید و چیدمان آن‌ها در بافت و تغییر تحولات ساختاری حاکم بر شهر دارد.

بنیان‌های اصلی زندگی شهری رشد و نمو پیدا می‌کنند. مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به نظام فضایی حاکم بر شهر بیشاپور در دوران اسلامی را باید دین اسلام دانست. زیرا دین جدید برنامه‌هایی برای زندگی دنیوی و اخروی دارد و این آموزه‌های الهی زندگی شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (برای مثال برابری که به عنوان یک شعار اسلامی مطرح می‌شود تا حد

منابع

الف) فارسی

- ابن بلخی، ۱۳۷۴، *فارسانامه*، بر اساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون، توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن حوقل، ۱۳۶۶، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ابن خردادبه، ۱۳۷۱، *المسالک و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی (میراث ملل).
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۹، *مقدمه*، ج ۲، چ چهارم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۳۶۵، *اعلاق النقیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن عثمان، محمود، ۱۳۳۳، *فردوس المرشديه فی اسرار الصمدیه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه دانش.
- ابن فقیه، ۱۳۴۹، *البلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اشپولر، برتولد، ۱۳۸۶، *تاریخ ایران در قرون نخستین*، ج ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد، ۱۳۵۳، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره اول، شماره ۴، تهران: دانشکده علوم اجتماعی
- دانشگاه تهران، صص ۴۹-۷.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۷۳، *المسالک و الممالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اصفهان‌نی، حمزه بن حسن، ۱۳۶۷، *تاریخ پیامبران و شاهان*، چاپ دوم، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بن‌نوال، رولان، ۱۳۷۹، *فن‌آوری طاق در خاور کهن*، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بکران، محمد بن نجیب، ۱۳۴۲، *جهان‌نامه*، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- بی‌نام، ۱۳۷۲، *تعلیقات بر «حدود العالم من المشرق الی المغرب»*، مولف ناشناخته، مقدمه بارتولد و تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، تهران: دانشگاه الزهرا.
- پارسا، بهمن و ماه‌نوش یزدان‌ستا، ۱۳۸۴، *ایران، هنر و معماری*، تهران: ناشر مولف.
- پوپ، آرتور اپهام، ۱۳۴۶، *معماری ایران*، ترجمه غلامحسین صدر افشار و احمد ایرانی، تهران: انتشارات گروه فرهنگی خوارزمی.

سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۵۳، «ایوان موزاییک بیشاپور»، در: مجموعه مقالات دومین مجمع سالانه کاوش و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، صص ۴۵-۱۲.

_____، ۲۵۳۵، «بیشاپور شهر بزرگ ساسانی»، در: سخنرانی‌های نخستین اجلاس همایش تاریخ و فرهنگ ایران، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، صص ۱۵۸-۱۲۲.

_____، ۱۳۵۶، «سابقه عملیات باستان‌شناسی در ویرانه‌های شهر تاریخی بیشاپور»، ویژه‌نامه کنگره باستان‌شناسی بیشاپور، صص ۱۵-۴.

_____، ۱۳۶۶، «بیشاپور»، در: شهرهای ایران، ج ۲، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص ۷۱-۲۲.

_____، ۱۳۷۲، «سابقه عملیات باستان‌شناسی در ویرانه‌های شهر تاریخی بیشاپور»، در: ویژه‌نامه کنگره باستان‌شناسی بیشاپور، صص ۲۹-۳.

_____، ۱۳۸۱، «مدرسه دوره اسلامی بیشاپور»، در: مدارس و بناهای مذهبی، کاظم ملازاده، تهران: موسسه چاپ سوره، صص ۱۳۵-۱۳۴.

_____، ۱۳۸۴، «قدیمی‌ترین مدرسه دوره اسلامی در استان فارس»، در: چکیده مقالات کنگره فارس‌شناسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، صص ۷۳-۷۱.

_____ و بهمن فیروزمندی، ۱۳۸۳، باستان‌شناسی و هنر ایران در دوران تاریخی، تهران: نشر عفاف.

شاه‌محمدی، علیرضا، ۱۳۷۹، «حمام‌های بیشاپور»، در: مجموعه مقالات کنگره تاریخ و معماری شهرسازی ایران ارگ بم، به کوشش باقر آیت‌الله زاده شیرازی، ج ۳، سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، صص ۲۵۰-۲۳۵.

شوارتس، پاول، ۱۳۷۲، جغرافیای تاریخی فارس، مترجم کیکاووس جهاننداری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (انجمن آثار ومفاخر فرهنگی).

پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا، ۱۳۷۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

تفضلی، احمد، ۱۳۶۶، «شهرستان‌های ایران»، در: شهرهای ایران، جلد سوم، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، صص ۳۷۵-۳۳۰.

تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا، ۱۳۶۳، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، تهران: انتشارات یساوولی فرهنگسرا.

توسلی، محمود، ۱۳۸۱، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک، تهران: پیوند نو.

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، ۱۳۷۵، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، مقدمه و تصحیح صادق سجادی، تهران: انتشارات بنیان (دفتر نشر میراث مکتوب).

حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۷۸، از شار تا شارستان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، ۱۳۶۷، فارسنامه ناصری، ج ۱ و ۲، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

دژم‌خوی، مریم، ۱۳۸۶، «نظری اجمالی به سفال قالب زده عصر سلجوقی»، مجله باستان‌پژوهی، شماره پانزدهم، صص ۳۱-۲۷.

دیاکونوف، ایگور میخاییلویچ، ۱۳۸۲، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

زرکوب شیرازی، شهاب‌الدین ابی‌الخیر، ۱۳۵۰، شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۳، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۸، «بیشاپور شهر بزرگ ساسانی»، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره دوم، صص ۷۴-۶۹.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۷۸، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مشکور، محمدجواد، ۱۳۵۶، *تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا عصر حاضر*، تهران: انتشارات اشراقی شاه آباد.

مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۷۵، *اقلیم پارس*، تهران: انجمن آثار و نشر اشاره.

مظفریان، منوچهر، ۱۳۷۳، *کازرون در آینه فرهنگ ایران*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.

مقدسی، ابو عبدالله بن محمد بن احمد، ۱۳۶۱، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مترجمان و مولفان ایران.

موسوی حاجی، سیدرسول، ۱۳۷۶، «لزوم بازنگری در نحوه بازدید، هدایت و راهنمایی جهانگردان خارجی از آثار تاریخی»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، کیش، صص ۶۸-۹۸.

مهریار، محمد، ۱۳۷۸، «پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در بیشاپور»، در: *مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی*، ج ۲، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه) تهران، صص ۱۳۸-۱۱۱.

_____، ۱۳۷۹، «سیمای شهر بیشاپور در دوران اسلامی»، در: *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری ایران ارگ بم-کرمان*، ج ۳، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، صص ۶۹-۱۱.

نصیری انصاری، محمود، ۱۳۵۰، *سیری در معماری ایران*، تهران: هنر سرای عالی.

نهچیری، عبدالحسین، ۱۳۷۰، *جغرافیای تاریخی شهرها*، تهران: انتشارات مدرسه.

فرشاد، مهدی، ۱۳۶۲، *تاریخ مهندسی در ایران*، تهران: انتشارات گویش.

فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۸۰، *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قزوینی، ذکریا بن محمد بن محمود، ۱۳۷۳، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات از جهانگیر میرزا قاجار و به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیر کبیر.

کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۵، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

کریمی، بهمن، ۱۳۲۹، *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی ایران*، بی‌جا.

کیانی، محمدیوسف، ۱۳۷۰، *شهرهای ایران*، ج ۴، تهران: انتشارات سحاب.

گارثیویت، جین رالف، ۱۳۸۷، *سیری در تاریخ سیاسی ایران*، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: نشر اختران.

گیریشمن، رومن، ۱۳۵۰، *هنر ایران در دوره پارت و ساسانی*، چاپ دوم، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____، ۱۳۷۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، چاپ دوازدهم، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____، ۱۳۷۹، *بیشاپور*، ج ۱، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).

_____، ۱۳۷۸، *بیشاپور*، ج ۲ (موزاییک‌های بیشاپور)، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).

لوکونین، ولادمیر گریگوریویچ، ۱۳۸۴، *تمدن ایران ساسانی*، مترجم عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۳۶، *نزه القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.

هوف، دیتريش، ۱۳۶۵، «شهرهای ساسانی»، ترجمه محمد رحيم صراف، در: نظری اجمالی به شهرنشینی در ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.

واندنبرگ، لوئی، ۱۳۷۹، *باستان‌شناسی ایران باستان*، با مقدمه رومن گیرشمن، چاپ دوم، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

_____، ۱۳۷۴، «نظری اجمالی به پایتخت‌های قبل از اسلام»، در: پایتخت‌های ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

ورجاوند، پرویز، ۱۳۶۶، «شهرسازی و شهرنشینی در ایران»، در: شهرهای ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد چهارم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

یعقوبی، احمدبن ابی واضح، ۲۵۳۶، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ویسهوفر، یوزف، ۱۳۸۰، *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.

(ب) غیرفارسی

هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Karimian, H, 2010, "Cities and Social Order in Sasanian Iran- The Archaeological Potential, *Antiquity*, Vol. 84, Issue 324, pp. 453-466, Antiquity Publication Ltd.

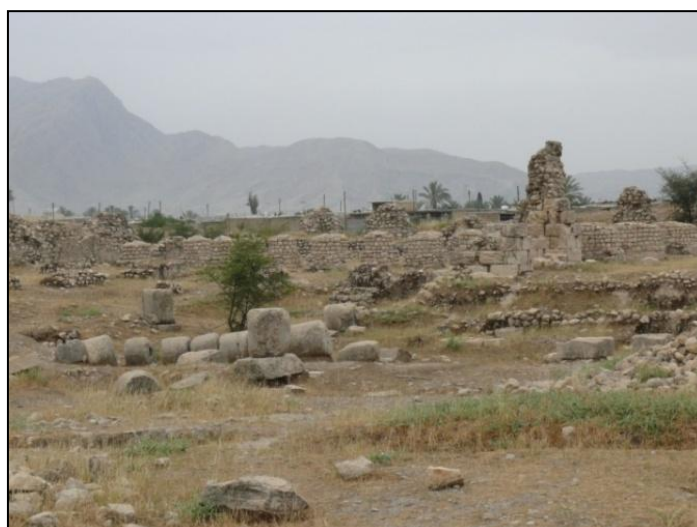
تصاویر



تصویر ۱: تصویر هوایی شهر بیشاپور (با بگانی موزه بیشاپور).



تصویر ۲: تراکم ساختمانی در اندام‌های شهری بیشاپور در دوره اسلامی (مهریار، ۱۳۷۸: ۵۷).



تصویر ۳: نمایی از فضای داخلی قلعه دوره اسلامی و آثار آن (عکس از نگارندگان).



تصویر ۴: مخزن‌های داخل دیوار حمام بیشاپور (عکس از نگارندگان).



تصویر ۵: تصویری از مدرسه دوره اسلامی بیشاپور (عکس از نگارندگان).



تصویر ۶: مسجد نه چشمه در جنوب شرقی بنای یادبود (عکس از نگارندگان).

